

* قواعد درس هفتم _ جار و مجرور *

*در فارسی گاهی اوقات از حرف اضافه و متمم استفاده میکنیم.

مثال: من به مسجد رفتم ﴿﴾ به؛ حرف اضافه، مسجد: متمم

*در فارسی به کلمه ای که بعد از حرف اضافه می آید «متمم» میگوئیم.

﴿﴾ مشابه همین ترکیب را در عربی نیز داریم. در عربی به حرف اضافه " حرف جر " و به متمم " مجرور به حرف جر " و به هردوی آنها باهم " جار و مجرور " میگوئیم.

مثال: أَنَا ذَهَبْتُ إِلَى الْمَسْجِدِ.

الی؛ حرف جر / المسجد؛ مجرور به حرف جر. / الی المسجد؛ جار و مجرور /

* مهمترین حروف جر در عربی و معانی آنها *

*مِنْ: به معنی " از "

مثال: أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً. ﴿﴾ من: حرف جر / السماء؛ مجرور به حرف جر /

*وقتی بعد از حرف جر " مِنْ " یک اسم " ال " دار بیاید، روی حرف " ن " حرکت فتحه میگیرد.

هُوَ خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ. ﴿﴾ چون بعد از " مِنْ " اسم " ال " دار آمده پس باید حرف " ن " فتحه بگیرد.

*اگر بعد از حرف " مِنْ " کلمه ی " ما " بیاید حرف " ن " حذف میشود و روی (م) تشدید قرار می گیرد.

مثال ۱: حَتَّى تَنْفَقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ. ﴿﴾ مِمَّا = مِنْ + مَا جار و مجرور

مثال ۲: إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا ... ﴿﴾ مِمَّا = مِنْ + مَا جار و مجرور

*فی : به معنی " در "

مثال ۱ : لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ ﴿١﴾ فی: حرف جر / الارض: مجرور به حرف جر / فی الارض: جار و مجرور

مثال ۲ : لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ: قطعاً انسان را در سختی آفریدیم.

فی: حرف جر / کبد: مجرور به حرف جر / فی کبد: جار و مجرور

*إلى ؛ به معنی " به / به سوی / تا "

مثال ۱ : يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ: آنها را از تاریکی ها به سوی نور خارج می کند. (هدایت میکند)

إلى : حرف جر، النور: مجرور به حرف جر / من: حرف جر، الظلمات: مجرور به حرف جر /

مثال ۲ : لا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ: خود را به دست خودتان به هلاکت نیندازید. الى: حرف جر / التهلكة: مجرور به حرف جر

مثال ۳ : أَعْمَلُ فِي الْمَعْمَلِ مِنَ السَّاعَةِ السَّابِعَةِ إِلَى السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ وَ النِّصْفِ: از ساعت هفت تا ساعت ۲ و نیم در کارگاه کار میکنم.

إلى: حرف جر، الساعة: مجرور به حرف جر / فی: حرف جر، المعمل: مجرور به حرف جر / من: حرف جر، الساعة: مجرور به حرف جر /

*على : به معنی " بر / روی "

مثال ۱ : اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: خداوند بر هر چیزی تواناست. ﴿١﴾ على: حرف جر، كل: مجرور به حرف جر، على كل: جار و مجرور

مثال ۲ : الْحَمَامَةُ عَلَى الْجِدَارِ: کبوتر روی دیوار است. ﴿٢﴾ على: حروف جر، الجدار: مجرور به حرف جر

* ب: به معنی " به وسیله ی (با) / در "

مثال ۱: هَلْ تَذْهَبُ إِلَى الْجَامِعَةِ بِالْحَافِلَةِ؟ : آیا به وسیله ی (با) اتوبوس به دانشگاه می روی؟

ب: حرف جر، الحافلة؛ مجرور به حرف جر / الی: حرف جر ، الجامعة: مجرور به حرف جر

مثال ۲: تَخْرُجْتُ مِنَ جَامِعَةِ فَرَدُوسِي بِمَشْهَدٍ: از دانشگاه فردوسی در مشهد فارغ التحصیل شدم.

ب: حرف جر ، مشهد: مجرور به حرف جر / من: حرف جر ، جامعة: مجرور به حرف جر

* ل: به معنی " برای / از آن (مال) / داشتن "

مثال ۱: هُدًى وَ بُشْرًى لِّلْمُؤْمِنِينَ: هدایت و بشارتی است برای مؤمنان.

ل: حرف جر ، المؤمنین: مجرور به حرف جر

مثال ۲: لِي خَاتَمٍ مِنْ فِضَّةٍ: انگشتری از (جنس) نقره دارم

ل: حرف جر، " ی " : مجرور به حرف جر | من: حرف جر، فضة: مجرور به حرف جر

مثال ۳: وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ: و کسانی که در آسمانها و زمین هستند، برای خداوند سجده میکنند.

ل: حرف جر، الله: مجرور به حرف جر / فی: حرف جر ، السماوات: مجرور به حرف جر

*وقتی حرف جر " ل " به ضمایر متصل وصل شود، حرکت فتحه (َ) میگیرد. (البته به جز ضمیر " ی ") (ِ)

☞ مثال: لَهُ، لَهُنَّ، لَكُمْ، لَكُمْ،

*وقتی بعد از حرف جر " ل " یک اسم " ال " دار بیاد، الف حذف میشود.

☞ ل + الناس = لِلنَّاسِ / ل + المعلم = لِلْمُعَلِّمِ.

* عَنْ: به معنی " از / درباره ی "

مثال ۱: أَعْرَضَ عَنِ الْمُشْرِكِينَ: از مشرکان روی بگردان. ﴿ع﴾ عَنْ: حرف جر، المشركين: مجرور به حرف جر

مثال ۲: وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ: و از تو درباره ی یتیمان سؤال میکنند. ﴿ع﴾ عَنْ: حرف جر، الیتامی: مجرور به حرف جر

* اگر بعد از " عَنْ " یک اسم " ال " دار بیاد، به حرف " ن " کسره (___) می‌دهیم. ﴿ع﴾ عَنِ الْيَتَامَىٰ. / عَنِ الْمُشْرِكِينَ.

* اگر بعد از حرف " عَنْ " کلمه ی " ما " بیاید حرف " ن " حذف میشود و روی (م) دوم، تشدید قرار می‌گیرد.

مثال: سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ: خداوند منزّه است از آنچه شریک قرار می‌دهند.

* ك: به معنی " مثل، مانند "

مثال ۱: يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ: روزی که مردم مانند پروانه های پراکنده میشوند. (باشند.)

ك؛ حرف جر، الفَراش: مجرور به حرف جر

مثال ۲: عَلِيٌّ كَالْأَسَدِ فِي الشُّجَاعَةِ: علی در شجاعت مثل شیر است.

ك: حرف جر، الاسد: مجرور به حرف جر / فی: حرف جر، الشُّجَاعَةُ: مجرور به حرف جر

*نکته ی مهم: اسامی ای که بعد از حرف جر می آیند، باید مجرور باشند، یعنی :

☞ اسمهای مفرد و جمع مکسر و جمع مؤنث سالم در حالت مجروری، حرف آخرشان حرکت (___) یا (___) میگیرد :

فی الکتابِ / لِرَجُلٍ

☞ اسمهای مثنی در حالت مجروری آخرشان (یَین) یا (تَین) میگیرد ؛ بِالْوَالِدَیْنِ / لِلطَّالِبَیْنِ

☞ اسمهای جمع مذکر سالم در حالت مجروری آخرشان (یَین) میگیرد ؛ لِلْمُؤْمِنِیْنَ / بِالْمُعَلِّمِیْنَ

* اگر ضمیر (ی) به معنی (من) بخواهد به فعل متصل شود، بین آنها حرف (ن) می آید که به آن « نون وقایه » می گوئیم.

مثال : الهی أخرجنی من الظُّلُماتِ. ☞ بین فعل (اخرج) و ضمیر (ی) نون وقایه آمده است.